



حافظ

از آن دمی که ز چشم برفت رود عزیز
کنار دامن من همچو رود چرخون است

محمد ازابطیباپی

صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری
مدیر مسئول: مسمن مهدیان
مدیر: دانیال معمار
مدیر تحریریه: سیدمجتبی صادقی
مدیران سرزیر: شهرام فرهنگ، علی عمادی
شاهین امین، حامد قوقانی
مدیر فنی: حامد یزدانی
مدیر هنری: مهدی سلمانی
دبیر عکس: امیر پناهیور

سیاسی و دیپلماتیک: مدیر: حسین ارجلو

شورنگار: مدیر: پروانه بهرام نژاد
مدیر: مریم باقرپور

اقتصاد: مدیر: حسین لطفی
مدیر: مریم موسی پور

تماشاگر: مدیر: امیر محمد یعقوب پور
مدیر: لیلی خرسند

سرزمین من: مدیر: زهرا عباسی

تندرستی: مدیر: عیسی محمدی
مدیر: مریم سرخوش

سرخ: مدیر: جواد عزیزی
مدیر: محمد جعفری

دانشتنها: مدیر: ساسان شادمان
مدیر: زهرا خلجی

جامعه: مدیر: شهین مطاطیایی

گزارش: مدیر: مسعود میر
مدیر: فاطمه سسگری نیا

۳۴ (سینما و تویزون): مدیر: سعید مروی
مدیر: علیرضا محمودی

صفحه آخر: مدیر: جواد نصرتی

طرح و گرافیک: مدیر: محمد علی حلیمی

حضرت امیر المؤمنین علی:

زمانی که مقدمات نعمت‌ها به شما رسید، در نهایت آن را با کم‌شکری از خود مرانید.

اذان ظهر: ۱۳:۰۱ | غروب آفتاب: ۱۸:۵۷
اذان مغرب: ۱۹:۱۷ | نیمه شب شرعی: ۲۳:۵۳
اذان صبح فردا: ۳:۲۸ | طلوع آفتاب فردا: ۵:۰۴

پذیرش آگهی: ۸۳۳۱۰۰۰
چاپ: همشهری
تلفن: ۲۸۰۷۵۰۰۰

توزیع و اشتراک: موسسه نشر گستر امروز نوب
تلفن توزیع: ۶۱۹۳۳۰۰۰
تلفن اشتراک: ۶۱۹۳۳۱۱۴

دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (عج)، کوچه شهید سید کمال قریشی، شماره ۱۴
کد پستی: ۹۵۸۵۴-۱۹۶۶۶ | تهران، صندوق پستی ۱۹۳۹۵۵۴۴
تلفن: ۲۲۰۲۳۰۰۰ | شماره: ۲۲۰۴۶۰۶۷

همشهری: www.hamshahronline.ir
سایت روزنامه: newspaper.hamshahronline.ir



آینه تاریخ

مجموعه کاخ گلستان، نه تنها در ظرافت و زیبایی کم نظیر است، که نمادی از دوره‌های مختلف تاریخ شهر به حساب می‌آید

کاخ گلستان در همسایگی همه‌مه بازار بزرگ تهران و ساختمان معاصر مسجد اراک، گزیده‌ای از تاریخ ۲ سده پیش نه تنها ایران، بلکه جهان قرن ۱۹ را در سینه دارد. اینجا صحن بارهای عام و سلام‌های نوروزی ناصری تا تاجگذاری شاهان بعدی، اندرونی و بیرونی بخشی از تاریخ مملکت است؛ از مردان مرصع به تاج و جواهرات

فاطمه عباسی



از دیدگاه معماری و هنری، آینه کاری، گچبری، کاشی کاری و روح آرایش ایرانی به قلب شمس العماره دمیده شده تا معجونی خاص و منحصر به فرد از سنت و مدرنیته در کاخ گلستان تهران پدید آید



ناصرالدین شاه روی ایوانش قلیان جاق می کرده و تنها خدا می‌داند که دالان‌هایش نجوای چه دسیسه‌ها و سیاست بازی‌هایی را به گوش شنیده و تالارهایش میزبان کدام مهمانان بوده است و اندرونی آن چگونه مسیر حکومت را تغییر می‌داده است. سال‌های دور و سختی گذشته است اما هنوز کاخ زنده است؛ آنقدر زنده که در یک درنگ یک تا دوساعته می‌توان تمام تالارها و اندرونی و بیرونی را گشت و در گذشته غرق شد.

که در ایوان‌ها قدم می‌زدند تا زناتی که پشت برقع‌های خود ناظر حکمرانی مردان خویش بودند و غلامان و ملیچکان و نوکرانی که امور سرای شاهان را در تفریق می‌کردند. اینجا روزگاری تاجگذاری پدر و پسر پهلوی، احمدشاه و مظفرالدین شاه قاجار را به چشم دیده است، عصری نشان اقتدار و صلح برپا شده توسط کریمخان زند بوده، روزی دیگر مدفن تحقیرآمیز استخوان‌های او و نشسان پیروزی آغامحمدخان شده، بعدازظهرها



جای خلوت کریمخان

یکی از جالب‌ترین قسمت‌های قصر، خلوت کریمخانی است که کریمخان زند آن را ساخته. آقامحمدخان قاجار بعد از رسیدن به تخت شاهی و کشتن کریمخان زند، استخوان‌های او را در یک مکان سرپوشیده قرار داد. طبق روایات هدف او این بوده که بتواند هرروز استخوان‌ها را نگهدار کند؛ البته سال‌ها بعد پادشاهان پهلوی این استخوان‌ها را در قلم‌دفن کردند. باید بداندید در خلوت کریمخانی، سنگ قبر ۲ پادشاه معروف قاجاری، یعنی فتحعلی‌شاه و ناصرالدین‌شاه هم وجود دارد.



عشق فرنگ

مشخص نیست که فکر داشتن یک ساختمان عظیم و بلندمرتبه نخستین بار چگونه به سر ناصرالدین‌شاه خطور کرد؛ شاید مشاهده تصاویر فرنگ و شاید هوس زیر نظر گرفتن قلمرو و تحت فرمان از ارتفاع، هرچه بود، او در سال ۱۲۸۲ ق مبعیرالممالک را مأمور به ساختن بنایی پنج طبقه در سمت شرقی ارگ می‌کند و روای او تنها ۱۲ سال بعد، یعنی در ۱۲۸۴ ق رنگ واقعیت می‌گیرد و شمس‌العماره ساخته می‌شود. از دیدگاه معماری و هنری، آینه کاری، گچبری، کاشی کاری و روح آرایش ایرانی به قلب یک سازه غربی دمیده شده تا معجونی خاص و منحصر به فرد از سنت و مدرنیته در کاخ گلستان تهران پدید آید.



محلی برای تاجگذاری

تخت مرمرینی که همانند قصه‌های اساطیر و کهن بر دوش دیو و پری قرار گرفته، در ایوان مرمر قرار دارد و تاریخی دور دراز را روایت می‌کند. ایوان را کریمخان می‌سازد و در مراسم خاص، امکان حضور مردم در کاخ و دیدار با پادشاه را میسر می‌کند. زمانی که آقامحمدخان به قدرت می‌رسد، دستور به جمع‌آوری آثار هنری قصر وکیل می‌دهد و آنها را از شیراز به تهران می‌آورد و ایوان ساده کریمخان را با ستون، مرمر، نقاشی و آینه‌های غنیمت گرفته‌شده از خود او رنگ‌وبویی تازه می‌بخشد. یادگاری آخر رانیز فتحعلی‌شاه باقی می‌گذارد: یک تخت از مرمر زرد که تداعی‌کننده تخت سلیمان است و در زیبایی جای هیچ حرف و حدیثی باقی نگذاشته است.



مجموعه تالارهای کاخ

تالار سلام در بالادست خلوت کریمخانی قرار گرفته و محصول هوس و حسادت ناصرالدین‌شاه به سازه‌های عظیم و باشکوه غربی‌هاست. او عمارت‌های قدیمی باغ را تخریب کرد و به تقلید از موزه‌های فرنگی برای خود تالار سلام را برپا ساخت. همزمان با تالار سلام و در سمت غربی آن تالاری به نام آینه در حال اجرا بود. در ابتدای کار وظیفه نگهداری از تخت طاووس و تاج کیانی به‌عهده این تالار قرار داده شده بود؛ اما درست روزگار پای کمال‌الملک را به آن باز کرد و یک نقاشی درجه یک سبب شهرت جهانی آن شد. تالارهای عاج، ظروف و برلیان دیگر دالان‌هایی‌اند که کاخ گلستان را تا اینجا تاریخ بازمی‌آورد. سرویس‌هایی رسیده از امپراتور روسیه، ملکه ویکتوریا، الکساندر سوم و ویلهلم به‌همراه انبوهی نقاشی، گچ کاری و آینه کاری در انتظارند تا شما آنها را ملاقات کنید.

تاریخچه

مکت

قصه از این قرار است که در سال ۹۸۸ ق و در زمان سلطنت شاه عباس، قصری ساخته می‌شود. موقعیت مناسب، آب‌وهوای مطبوع و چنارستانی که بنا را دربر گرفته به‌طور طبیعی سبب گسترش و افزایش اهمیت سازه می‌شود؛ به‌طوری که ۴۰ سال بعد، زمانی که پیترو دلا واله ایتالیایی به آن می‌رسد، خبر از تولد یک ارگ سلطنتی می‌دهد. چرخ‌روزگار می‌گردد و پادشاه صلح‌جوی سلسله کوتاه زندیه روی کار می‌آید و نمره سلطنت او برای کاخ افزایش توجه به بنا و احداث یک دیوان‌خانه است. ۱۷ سال پس از مرگ کریمخان زند، نوبت به آقامحمدخان می‌رسد که سکان دار مملکت ایران شود. برخلاف تمامی پادشاهان، انتخاب او نه مرکز کشور، نه شیراز و نه اصفهان، بلکه تهران است. پادشاه جدید، نیاز به محل اقامت دارد و چه جایی بهتر از کاخ گلستان که محبوب دشمن مغفور و دیرینه او بوده است. از اینجا به بعد تاریخ کاخ با سوغاتی‌های فرنگ ناصرالدین‌شاه، هنردوستی مظفرالدین‌شاه، جنبش مشروطه، فرار احمدشاه و تاجگذاری پادشاهان آخرین سلسله سلطنتی ایران گره خورده است.



این محله...

سیاسی‌ترین محله تهران



سال‌ها از آغاز غم‌انگیز قصه سیمروش طباطبایی‌پور معلومیت مردم فلسطین و ظلم اشغالگران اسرائیلی می‌گذرد، اما در ۲ سال اخیر و در حوادث پس از ۱۷ اکتبر ۲۰۲۳ و عملیات طوفان الاقصی، حقیقتی دیگر از دنیای مدرن معاصر برای آزادی‌خواهان جهان روشن شد؛ اینکه شکل اداره جهان توسط قدرت‌های جهانی پرمدها، بر پایه یک قانون نانوشته بنا شده و آن قانون همانا قانون جنگل است؛ قانونی که می‌گوید اگر تو گرگ هستی، می‌توانی حتی کودکان را بدری و کسی اجازه ندارد به تو چپ نگاه کند. البته نگاه ایرانیان به فلسطین به گونه‌ای دیگر است و سال‌هاست در کشور ما آخرین جمعه ماه مبارک رمضان را روز فلسطین می‌دانند و نام یکی از محله‌های پایتخت را نیز در بزرگداشت مظلومیت مردمان این سرزمین، فلسطین نامیده‌اند. در محله و خیابان فلسطین گشتی می‌زنیم و خاطره‌های یکی از سیاسی‌ترین خیابان‌های تهران را باهم مرور می‌کنیم.

تاریخش

تاریخ این محله را درخت‌های چنار بلندبالا و کهنسالش روایت می‌کنند؛ خیابانی که محدوده کوچکی از آن به دوره قاجار بازمی‌گردد و نامش، منتخب‌الدوله بوده است. این خیابان سنگلاخی از دوره پهلوی اول، از جنوب به شمال گسترش یافت و در سال ۱۳۰۹ شمسی بلدیة تهران آن را در زمان نخست‌وزیری مهدی‌قلی‌خان هدایت، اسفالت کرد.

کاخ مرمر

یکی از مهم‌ترین عمارت‌های این خیابان قدیمی کاخ مرمر است؛ عمارتی که نام گذشته این خیابان را به افتخار این کاخ خیابان کاخ نامیدند. زمین کاخ مرمر را یکی از شاهزادگان قاجار به رضاشاه که آن روزگار، سردار سپه و نخست‌وزیر احمدشاه قاجار بود، بخشید و چون بنای آن در خور پادشاه نبود، دستور داد عمارت کاخ مرمر را در آن بسازند. رضاشاه البته از سال ۱۳۰۳ شمسی، اینجا را به خانه و دفتر کار خود تبدیل کرد. بنای کاخ مرمر در سال ۱۳۱۶ خورشیدی به پایان رسید.

موزه هنر ایران

کاخ مرمر حوادث گوناگونی را از نظر گذراند. مثلاً این کاخ شاهد ادواج پهلوی دوم بود و در عین حال، ترور تاجر جام‌او را هم در سال ۱۳۴۴ مشاهده کرد. همین خاطره تلخ باعث شد محمد رضا شاه پهلوی بساطش را از این کاخ جمع کند. این کاخ در سال ۱۳۵۵ به موزه تغییر کاربری داد و پس از پیروزی انقلاب و دست‌به‌دست شدن میان نهادهای حکومتی از سال ۱۳۹۸ به‌عنوان موزه هنر ایران، درهایش را به روی عموم مردم باز کرد.

یادگار مصدق

از جمله بناهای خاطره‌انگیز این خیابان سیاسی خانه و محل کار مصدق است؛ خانه‌ای که در دهه ۳۰، قلب سیاسی کشور یعنی محمد مصدق، در آن سکونت داشت و محل رفت‌وآمد سیاسیون بود. ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، کودتاچیان به این ساختمان ۵۰۰ متری که در چهارراه حشمت‌الدوله و با شماره ۱۰۹، بوده، یورش بردند و تا می‌توانستند خانه و وسایلش را ویران کردند. سال‌ها بعد پسر دکتر مصدق بخشی سالمی از خانه را به دانشگاه هنر بخشید و دیگر بخش‌های خانه تخریب و تبدیل به آپارتمان شد و بخشی از هویت سیاسی خیابان فلسطین از بین رفت.

اکنون فلسطین

در گذشته، سفارت رژیم اشغالگر قدس در این خیابان قرار داشت و پس از انقلاب، ساختمان آن را به سازمان آزادیبخش فلسطین سپردند و این خیابان نام فلسطین را بر خود نهاد. علاوه بر ساختمان‌های فرهنگی مثل ساختمان وزارت آموزش و پرورش، مسجد و مدرسه، این روزها بخش شمالی این خیابان بورس عینک و بخش جنوبی آن بورس پارچه، پرده و تریکو شده است.

